

بازدید شد
۱۳۸۲

۹۱۲۴-بی

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: منتخب حکایات (مختصر)	مؤلف:
موضوع: تاریخ	موضوع:
خودت: ابواب ۱۲۹	موضوع:
شماره ثبت کتاب: ۸۵۵۶۱	تاریخ: ۱۳۰۲

خطی - فهرست شده
۹۲۹۸

بازرسی شد
۱۷ - ۲۶

۹۲۹۸

۲۵۰



تتبعه
بیمبر سلطان احمد
۱۲۸۵ قمری

۳۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم
 چون پنج باب از حدیث آن که در ذیل است به نام حضرت سلطان جانی
 و پسرانش است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 این حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 و در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 از حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 تا حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است

از این نام که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 از حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 و در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 از حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 و در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 از حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
 و در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است

[illegible][illegible]

[illegible]

در تب و نه و از هم بر جان که نه است مطاف محبت از این حال فریاد است
درین هزار که سر آید به حضرت و انعم میجویم گفت احللت و بعد از آن هم غنچه را
به بنیاسر بکار قرار دادی چنانکه منکر که خود کفران میجوید که کفر آن هم قاتل
و ضایع اهلان از آنکه او را کافر مطیع و صبر علی و غیره تقیم می بین
و کافر یک شتر از این دوزخ نجات که در آنجا نه سخنواران
درینجا که سر است بر دهنده از حد غضب که آن نیست که در دوزخ
از آنکه و توب می خوب بهادر و در آنجا که می خیزد بر سر دوزخ
می خیزد تا سر در آید و در آنجا که دوزخ در آنجا که است و دوزخ در آنجا
و آنجا که در دوزخ فرو می افتد و در آنجا که در آنجا که است
و آنجا که در دوزخ فرو می افتد و در آنجا که در آنجا که است
و آنجا که در دوزخ فرو می افتد و در آنجا که در آنجا که است

دین نیست که هر کار را به دست هر چه عزم و خاشاک و دین است
 و حاضر این کار نیست که کاری باشد که بشیرت افتد از سوس
 پس کس چه داند پس چه خفتد و زیارت با درخت خشت و دین
 خشت و دین که نه معاند نه برهمنه نه در کار است که هر کس در کار
 موجود است و دین به این معنی داشت آن توحید است حق تعالی
 ثم گفت لا اله الا الله و اما چون سخن دین به فرموده است
 نه هر چه حق است آن هم دین است و اما این سخن که دین به فرموده است
 که گفته است و نظر خود به هیچ آفرینار از غیر خود و دین به فرموده است
 و این است که دین است که دین به فرموده است و دین به فرموده است
 و دین به فرموده است که دین به فرموده است و دین به فرموده است
 که دین به فرموده است که دین به فرموده است و دین به فرموده است

[illegible]

[illegible]

19

در عیب هر که ام و در لغو و در خور اندک است و در وقت معدت سر خود را
 سر خود در درجه هم آنچه در خانه از طب و سایر و در وقت که در آنم معوض
 بنویسد که در دم و بسنگ صد قالی میان نه ز رفت و در نه دم و در آنکه کسی
 اسباب غلظت نم خوانم در حفظ است با صبر کن گفت نه در وقت
 فلان آجره حر و فاجر است و آن از غلظت صفت می سپارم
 و همسرت هم بر سج و در وقت تو یک **کنم** چهار ماه بوعنه و در آن
 بعد از آن نه فلان است عیادت است و در وقت خط یا وقت
 و در سب که این است و آنرا از کعبه میگرداند با کعبه و با کعبه و در آن
 شمع همه ام و در آنرا که بخلاف فرمایش میگویم این عیادت و در آن
 مرا بخور از آن وقت که در وقت با به عیادت خود را بر کعبه و در آن
 کعبه آن کعبه است و در آن کعبه میگویم این عیادت و در آن

در دم نهاده اندست پس من پدید و نه اس تو است از پس من بگذر آواز
 این است و بگویند که ما هرگاه که من است من پس من و انوار
 بایستد ابو حسن خنده و در اب فانی و هر چه غرض من که من بگذر
 من است و هر چه غرض من که من بگذر من که من بگذر من که من بگذر



حضرت سلطان احمد
 ۱۳۰۵

